



دکتر مهدی پرهام

انقلاب را پاس داریم

سخنی در خور توجه امام

داشت منظور، سیاست وابسته استعماری است و شنیدن نام شاهنشاه آریامهر همیشه نوگری منفور در خدمت اجنبی در خاطر مجسم میشد و امروز هم بر حسب عادت وقتی واژه جمهوری را از رادیو می شنوم در يك لحظه باورم نمیشود که ایران جمهوری است و فکر میکنم دستگاه دیکتاتوری محمد رضا شاه است که در دینعل باز گونه میزند و باز باید در افتخارات کوروش کبیر سهیم گردیم و به عدل موهوم خسرو و انوشیروان مباحی شویم و آثاری از این دو بزرگوار را در ناصیه محمد رضا شاه کشف کنیم و او را وارث بحق این سلاله ذاتا فاتح و عادل بدانیم - این ناباوری فقط در من نیست، در اکثر مردم از هر طبقه و صنف بوضوح دیده میشود و مثل اینکه یکی از ارکان هویت ملی ما شده است و باید هم شده باشد چون آنچه شاهان و وزرای ایشان و بعدها دولتهای منتخب آنان گفته اند همه دروغ و صحنه سازی و مانور قدرت بوده است - بنا به همین سابقه ذهنی است که وقتی از رادیوی دولتی صدای جمهوری اسلامی بگوش میرسد، انسان را در يك لحظه بین خواب و بیداری میبرد و باورش نمیشود که آنچه میشنود راست است، بلکه در انتظار استخبری از اقدامات مشعشعانه و رهنمودهای خردمندانه آریامهر بشنود و بلافاصله پیچ رادیو را ببندد - از همین ناباوری مزمن است که امپریالیسم بهره وری مینماید او به لطائف الحیل دارد انقلاب را تخطئه و تکذیب میکند و آنرا يك بازی حساب شده جلوه میدهد. بطوریکه خاتمه آنرا هم در شهریور و مهرماه پیشگوئی میکنند ولی این بلف است او دارد با مهارت از این خصیصه ناباوری مزمن ما استفاده میکند و میخواهد موهومی را حقیقی جلوه دهد - امریکا

«... اجتهادی که امام با نهایت درایت در مورد جمهوری و تلفیق آن با اسلام فرمود و پدیده جدیدی بنام «جمهوری اسلامی» بدنیای اسلام عرضه داشت و تلویحا ولایت فقیه را به آراء اکثریت مردم تفویض کرد و در تکمیل آن تاسیس مجلس شورای ملی که شرعا ضرورت ندارد، در قانون اساسی تصریح شد، بنظر من، بدون اینکه بخواهم چاپلوسانه غلو کنم، درست درین عصر نظیر همان ندائی است که خاتم النبیین، رسول اکرم (ص) در مورد خاتمت پیامبری سرداد و بلوغ فکری انسانها را تایید کرد و به اندیشه اکثریت آدمیان ارج نهاد و آنچه را که در قرآن کریم از سجده ملائک در مقابل آدم سخن رفته است صورت واقع داد...»

ملك در سجده آدم زمین بوس تونیت کرد
که در حسن تو چیزی یافت بیش از حد انسانی

«حافظ»

- این جا طهران است صدای جمهوری اسلامی ایران - هر روز ساعت هفت صبح وقتی این جمله را از رادیو طهران میشنوم دو حالت متضاد در خود احساس میکنم، یکی غروری آمیخته با آگاهی که بر اثر تجربه روزگار جنبه گردن فرازی و حماسی آن برخاسته و به نوعی «رضامندی وجدان» مبدل گردیده است، و دیگر حالتی که درست ضد این حالت است و بلافاصله پس از این غرور افتخار آمیز سراغ من میآید و آن «قرسی» است که ریشه در ناباوری دارد - این حالت دوم یاد بود دوران جهنمی محمد رضا شاه است که آنچه گفته میشد دروغ بود و مثل کار دیوان واژگونه مینمود - فی المثل وقتی از سیاست مستقل ملی سخن بمیان میامد، انسان یقین

و چرا چنین نمیکنیم ، این همان توطئه گری امپریالیسم است که نمیگذارد و بمحض خاموش شدن يك غائله ، غائله دیگری روشن میسازد و مانع میشود که میان دو حادثه فاصله افتد - او هوشیارانه در کار است و دارد رشته از دست ترها شده را دوباره بدست میآورد و ما میخواهیم با حرف و اندرز بمقابله برسیم و طبیعی است که نمیتوانیم - توطئه او وقتی در عمل آمد عکس العمل نشان میدهم ، قبلا درصدد خنثی کردن آن برنیاییم و بمشورت نمی نشینیم.

مشاوره:

مشاوره بهیچ وجه در فرهنگ ما معنی ندارد، نه فقط معنی ندارد بلکه مایه کسرشان است، نحوه تفکر عاقدی است و هنوز همانطور می اندیشیم که آریامهر می اندیشید - دوسال قبل مخبر پاریس با آریامهر مصاحبه ای میکند و خطاهای او را بارندگی برخش میکند و سؤال میکند آیا اعلیحضرت مشاورانی هم دارند؟ او در جواب میگوید، بله دارم ولی آنچه آنها میگویند عکس را انجام میدهم! این نمونه اعلای فرد گرانی است که هنوز متاسفانه مورد قبول ماست - مشاور وزارتخانه یعنی چرخ پنجم - وزیر مشاور یعنی وزیرری که وزارتخانه ای برای تصدیش نیست ولی میخواهند به او پست وزارت دهند و صدایش را بگیرند - خلاصه کلام در دستگاه دولت مشاور منتظر خدمت محترمی است که حقوق يك فرد شاغل را بگیرد - در دانشگاه های ما جامعه شناسی تدریس میکنند ، ولی ما نمیدانیم که این علم بچکار میآید تا حال هیچ دولتی حاضر نشده که از يك جامعه شناس واقعا مشورت کند تا بفهمد تصمیمات اقتصادی و اجتماعی او چه عکس العملی در جامعه داشته است و مردم نسبت به چه مسائلی حساسیت دارند و بکدام امور رغبت نشان میدهند - فی المثل واژه «طاغوت» اگر بررسی شود ملاحظه خواهد شد که مورد استقبال عجیب مردم واقع گردیده و با وجود خشونت و زبری کلمه سهولت در زبان وارد شده است و حال آنکه واژه پدافند چندین سال مثل بتک بر سر مردم میخورد ولی مردم آنرا پذیرفتند و پدافند ملی (دفاع ملی) برای همه ناشناس ماند طاغوت امروز سمبل بیدادگری و شقاوت و غرور بی حد است و خاندان منحوس پهلوی در قالب آن جای گرفته است - اما واژه مستضعف مورد استقبال مردم واقع شده و با اینکه آنرا بمعنی عقب نگهداشته شده و غرب زده تفسیر کرده اند، مع هذا چون رگه ای از ضعف و فتور در آن نهفته است ، مردم آنرا قلبا پذیرا نشدند و آنرا مصلحتی استعمال میکنند مثل اینکه میل دارند مردمی که در انقلاب پیروز شده و به امپریالیسم با مشتهای گره کرده «نه» گفته و مدار عقب ماندگی را شکسته است مستضعف نامیده نشود - واژه «مستکف» بیشتر باب طبع او بود ، زیرا استنکاف ورزیدن و سرباز زدن از اطاعت کورکورانه بیشتر شایسته مردمان انقلابی است - سال گذشته یادتان هست که دولت آموزگار بی سبب استعفا کرد و مهندس شریف امامی بی مقدمه و شاید با مقدمه بصحنه آمد (پنجم شهریور) و دولت خود را دولت آشتی ملی معرفی کرد، یعنی همه کدورتها شسته شده و دولت با ملت آشتی میکند - مردم از همان اول به واژه ترکیبی «آشتی ملی» تسخر زدند و با سکوت خود آنرا نفی کردند - آخر چطور میشد با حضور شاه و ساواک و سیاست مسلط آمریکا و کنترل امنیتی و اقتصادی

مدتها بود که میخواست محمدرضا شاه و خاندانش را بهر شکلی که شده است بیرون کند یا از فعالیت بیندازد - چون فساد را بدرجه ای رسانده بودند که شورش حتمی بدنبال داشت و محتمل بود که همسایه شمالی از آن بهره وری کند و اصل سرمایه و منفعت باهم قربانی شود - برای این راندن و بیرون کردن، امپریالیسم آمریکا نقشه های مختلفی تجربه کرد که هیچکدام نگرفت ، یکی از آنها هم انقلاب قلابی بود که خوشختانه حادثه ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه گذشته مسیر آنرا بکلی تغییر داد و تهور چریکهای تعلیم دیده دو گروه مشهور آنرا خنثی کرد و به انقلاب چهره حقیقی داد و ارتش بشکلی که نمیبایست درآید درآمد - رشته از دست حریفان خارج شد و حقانیت امام خمینی که داشت بیازی گرفته میشد و مزورانه مخدوش میگردد ، معجزه آسا بر انقلاب مسلط گردید - انقلاب ساختگی به انقلاب حقیقی مبدل شد و از آنوقت تا بحال به انواع حيله و ترفند تشبث میشود تا انقلاب را دوباره به ضد انقلاب برگردانند و رشته رها شده از دست را دوباره بدست آورند - اکنون این توطئه ها به اوج خود رسیده و از داخل و خارج انواع مانور ها و تبلیغات صورت میگیرد تا انقلاب به راههای انحرافی افتد - بی جهت نیست که امام صادقانه زنهار میدهد که مردم اسلام را دارند معدوم میکنند. و آیت اله طالقانی استغاثه مینماید و قسم میدهد که مردم برای گروه پرستی و خودنمایی این نهضت عظیم را خراب نکنید ، بخون شهدا سوگندتان میدهم که از این موضع گیریها دست بردارید - این دو وجود ظاهر و پیر گوار راست میگویند ، زنهارشان از صمیم قلب است - اما گروه ها هم بی جهت موضع گیری نمیکنند، آنها را نابکارانه بدون اینکه خود بفهمند بموضع گیری میکشاند - حرف کار آزموده است و با ایادی پروریده خود طوری با درایت صحنه آرائی میکند ، که گروه ها چاره ای جز موضع گیری ندارند - وقتی دو گروه متهور که انقلاب ساختگی با فداکاری و جانپنازی آنان به انقلاب حقیقی برگردانده شد، آنها را در حد خائنین و آشوبگران تنزل دهند و یکی از یاران آنها را در حسد شکنجه های دوران محمدرضا شاهی شکنجه نمایند، طبیعی است که این دو گروه موضع میگیرند - وقتی يك معمم قشری که نه اطلاعات سیاسی دارد ، نه اقتصادی، نه اجتماعی بر روشنفکران دانشگاهی و غیر دانشگاهی میتازد و بر آنها مارک بیدینی و بیدانشی میزند و دانش را منحصر به علم ادیان میکند، بدیهی است که روشنفکران و چپگرایان موضع میگیرند - وقتی ده ها نفر از افراد ساواک را در کمیته ها شناسائی میکنند و پس از شناسائی بلافاصله اعدام نمی نمایند طبیعی است که دیگر معنی پاسداری و پاسداران انقلاب عوض میشود و آن جوانان از جان گذشته زیر ابرهای متراکم و تیره این نابکاران قدرت نور افشانی پیدا نمیکنند و بمحض مخالفت بدست همینها ترور میشوند - معاملات قاچاق منحصر ادرین محله ها و توسط همین اشخاص فاسد انجام میگیرد و گاهی درگیری قدری شدید است که کار به زد و خورد مسلحانه میکشد و عده ای کشته میشوند - جای تردید نیست که افراد پاکداهن و پای بند شرف و حیثیت در چنین موقعیتی موضع گیری خواهند کرد - اما این موضع گیری يك امر مختومه نیست، میشود آنرا شکست، امانه فقط با اندرز و یا احیانا با زور - چنانچه درصدد مجاب کردن یکدیگر برائیم و به گفتگوی جدی بنشینیم و از هم رفع شبهه کنیم ، موضع گیری به «وحدت کلمه» مبدل خواهد شد

اسرائیل و دو مجلس فرمایشی و حزب رستاخیز ایران ملت و دولت با هم آشتی کنند؛ نتیجه معلوم بود - جمعه سیاه (۱۷ شهریور) که تنگ آن تا ابد بدامان آن دولت و دژخیمان محمدرضا شاهی باقی خواهد ماند اما وقتی مهندس بازرگان دولت را تشکیل داد بدون اینکه از صلح و آشتی دم زند، مردم دولت او را دولت آشتی ملی دانستند و دولت را فاعل دولت آشتی ملی بود - راه پیمائی دو میلیون نفری بفرمان امام خمینی برای نخست وزیر مهندس بازرگان يك تائید ملی بود، هر کس بوضوح میفهمید که ملت با دولت آشتی است و این صحنه دروغ و ساختگی نیست. - گذشته از دولت، مردم با خودشان هم آشتی کرده بودند، کمتر راننده ای بود که با لجبختی از راننده دیگر سبقت بگیرد - اگر احیانا تصادفی اتفاق می افتاد هر دو یکدیگر را می بخشیدند - فرو شدگان با خریداران در کمال ادب و نرمش رفتار میکردند، هر کس سعی مینمود بدیگری کمک کند - ارباب رجوع در ادارات دولتی با احترام پذیرفته میشد و کارش در اسرع وقت انجام میگرفت - شرکتهای تعاونی اسلامی بر پا گردید و مرغ بیست تومانی را هفت تومان میفروخت - مظهر کامل این وداد و دوستی و آشتی پاسداران انقلاب بودند، همه بی مزد و منت بمردم خدمت میکردند - غرور ملی جامعه را دادگاه های انقلاب با کیفرهای بایسته تهیج مینمودند و همه چیز و همه کار با شوق و شور و حرکت آمیخته شده بود - ولی متأسفانه این دوران آشتی دو ماهی بیشتر بطول نیانجامید، ناگهان فضا تیره و تار شد و همه چیز وارونه گردید .

آسایش کاذب

امروز ملت از دولت نهر است، چون به آنچه انتظار داشت برسد نرسیده است، لاجرم عکس العمل نشان میدهد - انتظار او رفاه و آسایش بیشتر بود و بلافاصله باید بگویم رفاه و آسایش کاذب ولی در خور دقت! تعجب میکنید چرا کاذب و چرا در خور دقت؟ - به این علت که ملاک ملت آن نوع آسایش و رفاهی است که مدت ۲۵ سال اقتصاد وابسته غرب به او مدل داده و برای تحصیل آن او را بکار مداوم و چند گونه واداشته است - درآمدی هر چه بیشتر از هر طریق که با آن بتواند خانه بخرد، اتومبیل داشته باشد، خوب بخورد و بیوشد، مسافرت فرنگ برود، عیاشی و هرزگی کند، پس انداز کلان داشته باشد، فرزندان را برای تحصیل خارج بفرستد و و و - دیگر همسایه او چه میکند، اکثریت مردم چه توانی برای اینکه او این آسایشها را داشته باشد باید بپردازد و مملکت چطور غارت میشود و چه فساد دامنگیر مردم میگردد برای او مهم نیست، مهم برای او کار بهر قیمت است که درآمدی تحصیل کند ولو اینکه خود و یارانش را بمرغ بیع و شری گذارد - چرا چنین آسایش کاذبی در خور دقت است؟ چون برای اکثر طبقات بصورت عادت و اعتیاد درآمد رنمیشود با يك فرمان ملت را به ترك آنها واداشت - همچنانکه اگر ناگهان ماده مخدر شخص معتاد قطع گردد مرگش حتمی است و برای نجات خود بهر چیز ولو خیانت و خود فروشی تن خواهد داد - امپریالیسم ظرف بیست و پنج سال در يك روند منظم با مهارت و حساب، این ملت را به لوکس، کاری رنج، زدوبند، خودپرستی و همونوع فروشی، شکار پول و مقام بهر قیمت و مصرف فراوان و بی تفکر «معتاد» کرده است، بچگانه است

اگر انتظار رود ظرف پنج ماه که انقلاب پیروز شده بتوان این اعتیادات مزمن را ترك ملت داد - این اشتباهی است که دولت و دست اندر کاران انقلاب کرده و میکنند - قبل از اینکه داروی ترك اعتیاد فراهم کنند و طبیب معالج استخدام نمایند، انواع اعتیادات او را یکدفعه قطع کرده اند - مصرف نوشابه های الکلی، دیدن فیلمهای شهوانی، شنیدن آوازهای نشاط انگیز که خوانندگان بسکسی زن آنها را از رادیو تلویزیون میخواندند، وقت گذرانی در عسرتکده های شبانه شنای زن و مرد با هم و و و همه را دولت یکدفعه از ملت گرفته بدون اینکه در مقابل آن چیزی بدهد و جانشینی معقول برای تفریح و تفریح مردم بیاندیشد -

- فکر نکنید که این اعتیادات فقط مربوط به طبقه مرفه بود، اگر اینطور بود انسان میگفت بجهنم که آنها زیر تشنجات مرگ آور جان دهند، ولی امروز باینترین طبقات رادیو دارند و یکسال قبل در اوقات کار و فراغت ساز و آواز گوش میکردند، کارگر ساختمانی رادیوی خود را بگردن می آویخت و ضمن کار موسیقی می شنید - تفریح منحصر بفرد طبقه سوم برنامه های متنوع و مبتذل تلویزیون و ساز و آواز های رادیویی بود که امروز همه قطع شده و مردم را بکلی سوته کور کرده است - در دو ماه اول پیروزی انقلاب شور و هیجان، خبرها، شعارها سرودهای دل انگیز انقلابی، خبر شور انگیز احکام دادگاه های انقلابی همه را مشغول میداشت ولی امروز این شور و هیجان فرونشسته و از طرفی گرانی و حشمتك ارزاق، تعطیل کارگاهها، بیکاری و تمام شدن ذخائر كوچك مالی خانواده ها مردم را عاصی کرده است - خشم و نفرتی همگانی بوضوح احساس میشود و هر روز گسترده تر میگردد - اما پیدایش این عصیان هیچ ارتباطی به امپریالیسم ندارد و منحصر بر اثر ندانم کاری و عدم شناخت جامعه ایست که در آن زندگی میکنیم، اینجاست که نقش مشاوران جامعه شناس و روانشناس معلوم میگردد - چطور میشود از ملتی تمام تفریحات او را گرفت و روز بروز درآمدش را پائین آورد و اجناس مورد احتیاجش را گران کرد و فقط به او دلخوشی داد که حکومتش سلطنتی نیست و جمهوری است، و انتظار داشت که عصیان نکند! مثل اینکه مردم فقط برای شعار دادن یا عزاداری خلق شده اند - تمام منهیات را بتدریج میشد از سر این ملت انداخت، آنقدر عجله و سختگیری لازم نبود ولی امپریالیسم اگر پدید آور این عصیان و نفرت نیست ولی از آن بهره وری کامل میکند و حادثه پشت حادثه می آفریند - وانگهی دشمنی را که رانندیم خوب شناسایی نکردیم و آلت دست او را بخودش اشتباه نمودیم - خاندان ننگین پهلوی آلت فعل کیفی بود که از خود اراده نداشت - مزید بر این ندانم کاری، تعصب و نا آگاهی یکعده روحانیون قشری است که به اتکای مراجع امام دست بکار امر بمعروف و نهی از منکر شده اند آنها در مورد روشنفکران دانشگاهی و غیر دانشگاهی و کسانی که سطح دانائی و آگاهی آنها بر مراتب بیش از ایشانست - منش این روحانیون قشری است که جانشینی نعلین بر چکمه را به افراد تلقین کرده است و آزادی های خود را بکلی دستخوش تاراج می بینند - برائسر تندروییهای همین آقایان است که دادگاه های انقلابی بخصوص در شهرستانها از اعتبار سابق افتاده اند چون آنها را با کمیته های متأسفانه محل ارتکاب همه نوع خلاف شرع و آئین است در

ارتباط میدانند - برای این مشکلات اگر در اسرع وقت فکری ننمایند و به این حالت دولت در دولت خاتمه داده نشود درگیری بزرگی بوجود خواهد آمد - من يك دفعه دیگر پیشنهادی را که سه ماه قبل کردم ، باز تکرار مینمایم و آن تشکیل « کمیته تفاهم ملی » است که هیچکس مانند آیت اله طالقانی صلاحیت تصدی آنرا ندارد - ایشان هم در جامعه روحانیت و هم در جامعه روشنفکران و دانشگاهیان از اعتبار فوق العاده برخوردارند اگر از احزاب و گروه های شناخته شده نمایندگان به این کمیته اعزام گردد که فقط درباره تاکتیک مبارزه علیه امپریالیسم و موانع پدید آمده صحبت شود و بحث درباره ایدئولوژی ها ممنوع باشد؛ بی تردید این کمیته بصورت يك ستاد روشنفکری در خواهد آمد و امام از کانال این ستاد بحقائق اوضاع آگاهی خواهند یافت و از تشتت نظرات و تنگ نظری های محدود اندیشان آسوده خواهند گشت - بموازات این حرکت باید حرکتی سریع جهت احیای اقتصاد را که مملکت کرد، چون تا تکلیف سیاست اقتصادی روشن نشود و معلوم نگردد که ما چه روش اقتصادی در پیش خواهیم گرفت هر کار دیگری نمر بخش نخواهد شد - اگر مالکیت را احترام میگذاریم و به اقتصاد آزاد (لیبرالیسم) می خواهیم وابسته بمانیم که متأسفانه باز دیر یا زود زیر سیطره کاپیتالیسم وحشی غرب قرار خواهیم گرفت چاره ای نداریم جز اینکه اصولی را بپذیریم.

تاوان تورم

- ملی کردن بانکها و شرکتهای بیمه و بعضی صنایع تا حال فقط تغییری در مدیریت بوده است و هنوز در خدمت اقتصاد متحرک قرار نگرفته اند - نقش اصلی بانک همان چیزی است که شارع مقدس اسلام بر آن نظر دارد و آن جلوگیری از تراکم پول افراد (کنز - زراندوزی) و بکار انداختن آنست - بانک پولهای جمع شده افراد را بین بازوهای آماده بکار و صاحبان اندیشه اقتصادی تقسیم میکند و هدف نهائی که گردش پول در طریق تولید باشد عملی میسازد و مبلغی اضافه بر آنچه داده است دریافت میکند - آنچه بانک ازین بابت میگیرد «ربا» نیست و به غلط آنرا فرع ، منفعت ، بهره کارمزد نامیده اند ، هیچکدام از اینها امروز معنی خود را ندارد - قسمت اعظم آنچه بانک به اسم بهره میگیرد در واقع «تاوان تورم» است یعنی کاهش ارزش پول به علت تورم جهانی و قسمت کوچکی هم اجرت خدمات یعنی حقوق کارمندان - اجاره محل - و استهلاك اثاثیه و لوازم کار است و این دو هیچ ارتباطی با رباندارد - تورم يك پدیده جدید جهانی است که بر اثر تجارت بین المللی بوجود آمده است و تمام بانکهای جهان نمیتوانند از اثرات آن برکنار بمانند - مانیز به علت داشتن منابع عظیم نفت در شبکه تجارت بین المللی جای داریم و ذخائر ارزی خود را بالاجبار در بانکهای خارج تسودیع مینمائیم و ناگزیر از دریافت بهره (تاوان تورم) هستیم ، یعنی در حقیقت افت پول خود را می گیریم تا ارزش پولمان نسبتاً محفوظ بماند - چنانچه بعلمت حرمت ربا از گرفتن بهره خودداری کنیم جز اینکه خودمان را دست انداخته باشیم کار دیگری نکرده ایم - امپریالیسم تا قبل از انقلاب با تزویر و ترغیب ما را غارت میکرد ، بعد از انقلاب بی درسر و به خواهش خودمان به غارت ادامه خواهد داد و خیلی هم ممنون خواهد شد که تاوان تورم پولمان را از او بگیریم - بانک مرکزی ایران

که اکنون بر اعتبارات بانکها نظارت کامل دارد و بخلاف گذشته تسلیم هوسهای مزدوران خارجی نمیشد و اعتبار را به افرادی میدهد که صلاحیت انجام يك عمل اقتصادی مفید داشته باشند و دیگر در خارج از بانک هم نزول خواری قادر به ربا خواری نخواهد بود و تمام اعتبارات در مسیر توسعه و افزایش تولیدات بکار خواهد رفت ، شایسته است که از حضور امام استدعا نماید که با تفکیک ربا از تاوان تورم مقرر دارند بانکها بر اساس نرخ تورم جهانی اجازه داشته باشند بهمان میزان که در دنیا معمول است از مشتریان خود تاوان تورم دریافت کنند - این اجازه اقتصاد ایران را که فعلاً بحال رکود است بحرکت در خواهد آورد و سرمایه داران جرات سرمایه گذاری خواهند نمود و بانکها عملیات خود را از سر خواهند گرفت و بیکاری که اکنون دارد ستون فقرات اقتصادمان را می شکند برطرف خواهد گردید .

امام با ضمیر روشن خود بی تردید درین باره آگاهانه اجتهاد خواهد فرمود و اجازه نخواهد داد که امپریالیسم از احکام مذهبی ما وسیله استثمار تازه ای بسازد و اقتصاد ما را فلج تر کند .

اجتهادی بزرگ

امام به اقتضای زمان و نفع جامعه همیشه از قدرت تصمیم گیری برخوردار بوده است - اجتهادی که در کمال فراست در مورد جمهوری و تلفیق آن با اسلام فرمود و پدیده «جمهوری اسلامی» را بدنیال اسلام عرضه داشت و تلویحا ولایت فقیه را به آراء اکثریت مردم تفویض کرده است و در تکمیل آن تاسیس مجلس شورای ملی ، که شرعا ضرورت ندارد ، در قانون اساسی آمده است ، بنظر من درین عصر ، بدون اینکه بخواهم چاپلوسانه غلو کنم ، نظیر همان ندائی است که خاتم النبیین رسول اکرم (ص) در مورد خاتمت پیامبری سر داد و بلوغ فکری انسانها را تأیید کرد و اندیشه اکثریت آدمیان را ارج نهاد و به آنچه در قرآن کریم از سجده ملائک در مقابل آدم سخن رفته واقعیت داد .

ملك در سجده آدم زمین بوس تونیت کرد
که در حسن تو چیزی یافت بیش از حد انسانی
(حافظ)

امام که اجتهادی درین بایه فرموده ، بی تردید درباره تاوان تورم پروائی در اجتهاد نخواهد داشت - چهار درخشان امام را متأسفانه تراکم ابرهای روحانیت قشری و روز بروز بیشتر پنهان میکند و این محاق عمده ای آزاد اندیشان را بکلی مابوس کرده است - نستی که تصویر امام را پاره کرده بی تردید قصد توهین به ساحت مقدس امام را نداشته است ، غلیبان و جوشش عصبی علیه افراط کاریهای همین قشر متعصب است که او را به چنین جسارتی واداشته است - و در حقیقت پرده حائل بین امام و مردم را پاره کرده نه تصویر امام را چون این قشر متعصب دارد متأسفانه تمام حقائق را لون میکنند .

امیدوارم کمیته تفاهم ملی به هست مردانه آیت الله طالقانی هر چه زودتر تشکیل شود و حقائق را آنچنان که هست بنظر امام برساند ، حیف است که این انقلاب بر اثر جهالت عده ای که عصر خود را درك نمیکنند و از سیاست جهانی بی خبرند برای برگرورد که باز در پایان آن وعده دیدار با محمدرضا شاه داشته باشیم - امپریالیسم دارد سرعت این راه انحرافی را می گشاید انتخاب مسیر با خودماست .